

# هدف‌های مقدس، گام‌های حساب شده می‌خواهند

● سیدعلی محمد رفیعی

و نگرانی‌ها چگونه از قرآن یاری جویند. این کتاب بر آن است تا بگوید که همگان می‌توانند با هر مقدار از توشه علمی به سراغ قرآن بروند و در حد خود از این خوان گسترده نعمت الهی بهره ببرند و حتی در ارتباط با شغل و پیشه و حرفه و علاقه خود راهنمایی‌هایی بگیرند. در نتیجه، قرآن در صحنه زندگی مسلمانان حیاتی دوباره می‌یابد و وجود یکایک افراد جامعه عینیت می‌پذیرد و همه چیز یک فرد مسلمان، از هر قشر و گروه، بر پایه‌رهنمودهای قرآنی سامان می‌گیرد.

بحث‌های اساسی کتاب شامل «برداشت عمومی از قرآن»، «روش‌های کاربردی» و «روش برداشت از مفاهیم عمومی قرآن» است.

ناگفته پیداست که نیاز به این گونه آثار تا چه اندازه محسوس و تدوین و تالیف کتاب‌هایی از این دست، به ویژه برای نسل جوان، تا چه اندازه ستودنی است و این ستایش به دلیل اصل درک نیاز و به عنوان گامی در پاسخ به این نیاز، شامل کتاب حاضر نیز می‌شود.

اما از سوی دیگر، این توقع نیز هست که این کتاب چه از جنبه محتوا و چه از جنبه ظاهر، بسیار پیشرفته‌تر از آثاری باشد که در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، در دسترس جوانان آن دوره بود. ضمن آن که همان ویژگی‌ها و تاثیرگذاری‌ها نیز انتظار می‌رود.

کتاب حاضر، از این نظر، با کاستی‌هایی چند همراه است. به ویژه از آن رو که از تولیدات مؤسسه‌ای تحقیقاتی است، توقعاتی چند برمی‌انگیزد که برای آن پاسخی درخور نمی‌یابیم.

## ساختار کتاب

کتاب از آن جا که «روش» است، باید به گونه‌ای سامان می‌یافت که شکلی دستورالعملی به خودمی‌گرفت و مطالب مقدماتی و نتیجه‌گیری‌ها در همین چهارچوب می‌گنجید. در شکل حاضر، خواننده باید صفحات بسیاری را ورق بزند تا به دستورالعمل‌ها برسد آن گاه که می‌رسد، می‌بیند که در بسیاری زمینه‌ها، از جمله طرز کار بالمعجم المفهرس، او را به اهل فن حواله داده‌اند. اصولاً این احساس در خواننده برانگیخته نمی‌شود که قهرست و صورتی در پیش روی خود

نام کتاب: روش برداشت از قرآن  
(ویژه نوجوانان و جوانان)  
نویسنده: محمد دشتی  
ویراستار: مهدی مسجدی  
ناشر: عابد  
شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۷۸  
تعداد صفحات: ۱۰۰ صفحه  
بها: ۴۶۰۰ ریال



پس از پیروزی انقلاب اسلامی و درک نیاز به بازگشت به قرآن و با هدف ترغیب نسل جوان به انس با قرآن و مفاهیم آن، آثاری با عنوان یا محتوای روش برداشت از قرآن تدوین گشت و گاه به چاپ‌های متعدد رسید.

در دو، سه سال اخیر که جنبشی نو در میان جوانان کشور پدید آمد و متولیان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی دریافته‌اند که حال و هوای اوایل انقلاب در فضایی دیگر وزمانی دیگر و با اقتضائاتی دیگر پدید آمده است، آثار متعددی تالیف شده که از ضرورت پاسخ دادن به پرسش‌هایی حکایت دارد که در میان نسل جوان کشور، همانند نسل جوان بیست سال پیش پدید آمده است یا طبیعتاً پدید خواهد آمد.

کتاب «روش برداشت از قرآن» (ویژه نوجوانان و جوانان) با این هدف مقدس تدوین شده است که قرآن را در صحنه جامعه، خانواده، آموزش و درس و مدرسه، مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، رزم و جهاد، اخلاق و... به عنوان انیس و راهنما و راهگشامطرح کند و این راه را به جوانان و نوجوانان نشان دهد که برای پاسخ همه پرسش‌های خود چگونه به سراغ آن بروند و در غم‌ها و شادی‌ها و مشکلات

آن چه در دو، سه دهه اخیر نام «برداشت از قرآن» به‌خود گرفته است، عموماً شامل تفسیرهایی ساده و آسان‌یاب از آیات قرآن است که گاه با ذوق و دریافت‌های شخصی و پیوندهای منطقی ساده میان‌آیه‌ها و مفاهیم قرآن می‌آمیزد و پیامی و دریافتی گاه‌ابتکاری و نوگرا می‌آفریند یا کشف می‌کند.

واژه «برداشت» نوعی بی‌ادعایی در فهم و درک از قرآن را نیز با خود دارد. ضمن این که قرآن را پدیده‌ای می‌داند که هر کسی می‌تواند با ضمیری پاک به سراغ آن برود و با دامن‌پرازی گوه‌رهایی متفاوت با آن چه دیگران یافته‌اند، بازگردد.

«برداشت» شامل تمام حوزه‌هایی می‌شود که می‌تواند دستمایه تفسیرهای گوناگون از قرآن قرار گیرد؛ از تفسیرهای ذوقی گرفته تا فهم و درک از آیات مشابه، از تفسیرهای ساده تا تاول‌های پیچیده. اما کاربرد آن تاکنون بیشتر در زمینه‌هایی بوده است که شخص خواسته است خود را از ادعای مفسر قرآن بودن و دریافت‌های خود را حقیقت صرف انگاشتن، برکنار دارد.

در سال‌های اخیر، در زمینه روش برداشت از قرآن، آثار متعددی تالیف شده که از ضرورت پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در میان نسل جوان کشور پدید آمده است حکایت دارد

نویسنده بر آن است بگوید که  
همگان می‌توانند به سراغ قرآن بروند و از آن توشه بردارند

شیوه نگارش و انشای کتاب، شباهتی بسیار با  
شیوه نگارش مرحوم آیت‌الله‌شیرازی صفايي حائری (عین‌صاد) دارد

کتاب با تدوینی جدید و حذف بسیار و افزایش راهکارها و تصویرها در حجمی کمتر از حد فعلی،  
می‌توانست مخاطبان بسیاری را به سوی خود جذب کند

دارد که با پیروی گام به گام از توصیه‌های آن می‌تواند به راحتی از قرآن برداشت کند.

این نکته از آن جهت برای کتاب حاضر مهمتر است که به ویژه جوان و نوجوان بیشتر به صورت‌های شکل و فهرست‌های کاربردی تمایل دارد و از آن بهره می‌برد تا نثرهایی طولانی که گاه نیز شعاری است.

همین کتاب با تدوین جدید و حذف بسیار و افزایش راهکارهایی در استفاده از کتاب‌های لغت و معجم‌ها و به همراه تصویرهایی از فیش‌ها و مواردی کاربردی و جذاب، می‌تواند در حجمی کمتر از حد فعلی، مخاطبان بسیاری را به سوی خود جذب کند.

#### اشکال‌های محتوایی

در این جا به برخی اشکال‌های محتوایی کتاب که قابل گذشت نیست، اشاره می‌شود.

در صفحه ۴۶ می‌خوانیم: ۷- راز ناشناخته حیات: مایعوضه فما فوقها (پشه‌ای یا بزرگتر از آن را نمی‌توانند بیافزینند). ملاحظه می‌شود که عنوان، مناسب مضمون نیست و ترجمه نیز نادرست است.

در صفحه ۴۷، عنوان «علل سقوط کافران» برای «اصحاب النار هم فیها خالدون» آمده است که درست نیست.

در صفحه ۶۲، در ترجمه رهما بینهم آمده است: «با مهر و محبت بر خورد کنید» که صحیح نیست.

در همین صفحه و صفحه بعد اشداء علی الکفار چنین ترجمه شده است: «با کفار تند و شدید بر خورد کنید» که نادرست است.

در صفحه ۶۲، از آیه ۵۴ سوره انعام (فقل سلام علیکم. کتب ربکم علی نفسه از حمه) «سلام کردن کوچکترها به بزرگترها» نتیجه گرفته شده است که با فرهنگ سبقت در سلام و سیره پیامبر و ضرورت‌های آموزش عملی بزرگسالان به جوانترها سازگار نیست، گرچه سلام کوچکترها به بزرگترها مستحب است.

در صفحه ۹۵ «اگزستانسیالیسم» به «اصالت انتخاب» معنی شده است که یا هیچ یک از معادل‌های تعیین شده برای آن (اصالت وجود، هستی‌گرایی

و...) سازگار نیست. (البته «دلهره ناشی از انتخاب» یکی از حوزه‌های گفتاری اگزستانسیالیسم است که ربطی به ترجمه نادرست آن ندارد.)

#### فقدان فهرست‌های لازم

کتاب فاقد فهرست منابع و ماخذ و دیگر فهرست‌هاست. این کار به ویژه به دلیل وابستگی کتاب به مؤسسه‌ای تحقیقاتی و نیز به جهت آشنا کردن جوان و نوجوان به ارجاع نویسی و تهیه منابع و ماخذ ضرورت بیشتری می‌یابد. در پانوشته‌های ارجاعی نیز نبود ضابطه و عدم دقت به چشم می‌خورد. مثلاً در پانوشته صفحه ۱۵ چنین می‌خوانیم: ۱- خطبه ۷/۱۷۶ نهج البلاغه معجم المفهرس که اهل فن می‌دانند چنین نهج البلاغه‌ای با این نام وجود ندارد.

#### اشکال‌های صوری

در شناسنامه کتاب، تفاوت با عنوان روی جلد (برای نام کتاب) و در همین صفحه تفاوت با صفحه‌عنوان (برای نام مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین) می‌بینیم. نشانی یا شماره تلفن یا شماره صندوق پستی ناشر نیز در هیچ جای کتاب به چشم نمی‌خورد.

در شناسنامه، نام ویراستار آمده است اما مشخص نیست که مقصود کدام ویراستار است؛ ویراستار محتوایی یا ویراستار صوری. البته طبق قاعده باید واژه «ویراستار» به تنهایی برای ویراستار محتوایی و موضوعی به کار رود و دیگر ویراستاران با قیدی مربوطه خود ذکر شوند (مانند: نسخه‌پرداز، نمونه‌خوان و...).

این نقص و اشکال متأسفانه در بسیاری کتاب‌های دیگر نیز هست.

رسم الخط کتاب از اصول قابل قبول یا تدوین شده‌ای پیروی نمی‌کند و به نظر می‌رسد در وصل‌ها و پیوسته‌ها ضابطه‌ای در نظر نبوده است.

نگاهی به فهرست نشان می‌دهد که در تعیین حروف و شکل و اندازه آنها دقت لازم به کار نرفته و عنوان‌های اصلی و فرعی با تورفتگی‌های مناسب و علامت‌ها و اندازه‌های مشابه از یکدیگر متمایز نشده‌اند.

نقطه‌گذاری‌های کتاب گاه نابه‌جا، گاه کم و گاه

بی‌ضابطه‌اند و در بسیاری موارد با دست گذاشته شده‌اند و سیاستی یکنواخت در کاربرد موارد مشابه به چشم نمی‌خورد.

نگارش جملات کتاب و انشای آن نه به صورت بند بند، بلکه به صورت هر جمله یک بند یا هر جمله چند بند است و در این زمینه شباهتی بسیار با شیوه نگارش آیت‌الله فقیه شیخ علی صفايي حائری (عین‌صاد) به چشم می‌خورد. ضمن این که کتابی با همین نام و تقریباً با همین شیوه نگارش از آن مرحوم در دستاست و زمانی به چاپ‌های متعدد رسیده است. اما این شیوه نگارش در کتاب حاضر ضابطه‌ای یکنواخت ندارد و گاه جملاتی که ضرورتاً باید به سطر بعد انتقال می‌یافته‌اند، در ادامه جملات قبل آمده‌اند.

واژه‌های فرنگی مانند کاتالوگ (ص ۱۲)، ایده‌آل‌ها (ص ۲۲)، سوژه و سوژه‌ها (صفحات ۴۱ و ۶۸)، کنترل (ص ۴۴)، آدرس (صفحات ۵۴، ۸۳ و...) و آنالیز (ص ۹۳) از زیبایی متن کاسته‌اند و نثر را به حدی پایین‌تر از چهارچوب‌های معقول آن تنزل داده‌اند.

اغلاط مشهوری از نظر املائی کلمات در کتاب به چشم می‌خورد مانند: طاقچه (درست: تاقچه) و سؤال (درست: سؤال) در صفحات ۱۷ و ۳۷.

مواردی نیز از چشم نمونه‌خوان پنهان مانده است که صورت مضبوط در کتاب و صورت درست آن (درقلاب) ذکر می‌شود: جداگانه [جداگانه]، سبحگاهان [صبحگاهان]، کسانکه [کسانی که] و....

#### و نکته آخر...

این که نام قرآن، نام مؤسسه تحقیقاتی، نام شورای بررسی کتاب کودک و نوجوان، نام ویراستار و از این دست اطلاعات درباره یک کتاب، ایجاب می‌کند که محصولات فرهنگی ما از چهارچوب‌ها، ضوابط و استانداردهایی بیشتر و دقیقتر از حد فعلی برخوردار باشند و به خواننده این اطمینان را ببخشند که آن چه می‌خوانند، محصول پژوهش‌هایی زرف و همه‌جانبه، با پشتوانه‌ای از کار کارشناسی و دیدگاه‌های پویاست.